

ناگروم سا لا زا هاتوک یناتساد

وت تذل ،نم رورغ



## فهرست محتوا

LS MORGAN حق چاپ@2023

غرور

ویرجینیا فاستر که از بدو تولد بی مادر بود، در سن 18 سالگی پدرش را از دست داد و وارث شرکت وارداتی (تقریباً شکسته) خانواده شد. برای این بانوی جوان کم ... تجربه، ورود اولیه او به دنیای تجارت نه تنها به دلیل

در مورد نویسنده

ناگروم سا لا زا هاتوک یناتساد

وت تذل ، نم رورغ

ویرجینیا فاستر که از بدو تولد بی مادر بود، در سن 18 سالگی پدرش را از دست داد و وارث شرکت وارداتی (تقریباً شکسته) خانواده شد. برای این بانوی جوان کم تجربه، ورود اولیه او به دنیای تجارت نه تنها به دلیل ضرورت، بلکه برای عطش قدرت آغاز شد و او، برخلاف همه احتمالات، از آن نقطه، امپراطوری بزرگ خود را آغاز کرد.

ویرجینیا، مدیر عامل شرکت واردات فاستر، بیست سال بعد، نه تنها بالاترین رتبه یک شرکت بزرگ را داشت، بلکه شرکتی متشکل از 471 کشتی در حال فعالیت در بیش از 316 بندر داشت. بدون شک این دستاوردی بود که کمتر کسی، اگر نگوییم هیچکس، باور می کرد او به آن دست یابد.

اکنون با داشتن 38 سال سن، چهره او بار دیگر بر روی جلد مجله فوربس در گزارشی خبری قرار گرفت که در مورد چگونگی رساندن این شرکت به جایگاهی بالاتر، نه تنها از نظر اندازه، بلکه با داشتن یک فناوری پیشرو بود که آن را در جهان قدرتمندترین و دارای بالاترین ناوگان در آن حوزه کرد.

آنچه در سرمقاله گفته نشده بود این بود که ویرجینیا فاستر با قدرت زیاد خود به رئیس جمهورها و سیاستمداران چند کشور نیز دستور می داد. در فهرست حقوق بگیران او نام های بزرگی وجود داشت و پیچیدگی های بازی پول را می دانست. به همین دلیل است که وقتی گابریل هیل کانوی مسیر آفریقای جنوبی خود را از او گرفت و امپراتوری او با امپراتوری گابریل برخورد کرد، احساسات خشم و ناباوری در او باقی ماند.



گابریل هیل کانوی به آن کارت دعوتی که به تازگی به دست او رسیده بود مشکوک بود. این برای یک مهمانی، یک رقص، چیزی شبیه به آن نبود. یک جلسه تجاری عجیب در جزیره ای دورافتاده در جنوب اقیانوس آرام. او می گفت «عجیب»، نه به خاطر ماهیت تجاری، یا حتی بودن در یک جزیره، موضوع این بود که دعوتنامه از طرف ویرجینیا فاستر، دشمن قسم خورده او بود.

تاجر شیرزن که در میدان تجارت با او درگیر میشد (و معمولاً برنده میشد) دعوت نامه ای را ارسال کرد که تصویری از یک پرچم سفید و پیام صلح آورده بود. او فکر کرد طعنه آمیز است.

او مطمئن بود که دعوت غیرمنتظره به دلیل حرکت متبحرانه او، زمانی که او باعث شد این زن نفرت انگیز مسیر بزرگی را از دست بدهد. او نمی خواست دوباره در جهان دوم شود، او همیشه رتبه اول را هدف قرار می داد، اما ویرجینیا فاستر یک رقیب واقعی قوی بود.

به نظر می رسید گابریل هیل کانوی به آن دعوتی که به تازگی به دست او رسیده بود است. آن برای یک مهمانی، یک رقص، چیزی شبیه به آن نبود. یک جلسه تجاری عجیب در جزیره ای دورافتاده در جنوب اقیانوس آرام. او می گفت «عجیب» است، نه به خاطر ماهیت تجاری، یا حتی برای بودن در یک جزیره، موضوع این بود که دعوت از طرف ویرجینیا فاستر، دشمن قسم خورده او بود.

تاجر شیر زن که در میدان تجارت با او درگیر شد (و معمولاً برنده شد) دعوت نامه ای را ارسال کرد که تصویری از یک پرچم سفید و پیام صلح آورده بود. او فکر کرد این مسخره است.

او مطمئن بود که دعوت غیرمنتظره به دلیل حرکت ماهرانه اش در زمانی بود که او باعث شد زن ظالم مسیر بزرگی را از دست بدهد. او نمی خواست دوباره در جهان دوم شود، او همیشه رتبه اول را هدف قرار می داد، اما ویرجینیا فاستر یک رقیب واقعی قوی بود.

- این بسیار خطرناک است، آقای کانوی - رئیس حراست او گفت. - ما هیچ چیز در مورد جزیره نمی دانیم و تنها راه رسیدن به آنجا با هواپیمای آبی از طرف خود خانم فاستر است که فقط یک مسافر را به راحتی حمل می کند. - می فهمم، جیم، اما جواب مثبت به این جلسه دادم، حالا باید احترام بگذارم. من با حضورم شکست نخواهم خورد و به ویرجینیا فاستر اجازه نمی دهم بگوید که ترسو هستم و نمی توانم با شوک روبرو شوم.

**You've Just Finished your Free Sample**

**Enjoyed the preview?**

**Buy: <http://www.ebooks2go.com>**